

توضیحات استاد عرفان به یک بانوی چینی برای تشرّف به اسلام+تصاویر



«دایزی» یک بانوی چینی علاقه‌مند به اسلام است. وی به همین منظور دیداری با آیت‌الله حسن رضانی داشت تا درباره اسلام بیشتر بداند. استاد حوزه علمیه در این دیدار ماجرای تشرّف دوباره علامه حسن‌زاده آملی به دین اسلام را بازگو کرد.

«دایزی» یک بانوی چینی علاقه‌مند به اسلام است. وی به همین منظور دیداری با آیت‌الله حسن رضانی داشت تا درباره اسلام بیشتر بداند. استاد حوزه علمیه در این دیدار ماجرای تشرّف دوباره علامه حسن‌زاده آملی به دین اسلام را بازگو کرد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه **خبرگزاری فارس**، «دایزی» دختری چینی است که جهت تحقیق درباره اسلام به منزل آیت‌الله حسن رضانی از استادان حوزه علمیه قم رفت. استاد رضانی در ابتدا سخنانی پیرامون دین مبین اسلام و مذهب تشیع بیان کرد: خیلی خوشحال هستیم که در خدمت شمایم. شنیدن کلام منطقی و مبتنی بر اصول عقلی و پذیرفتن آن برای انسان یک کمال است. به طور کلی اگر برای انسان تعالی و ترقی و تکاملی تصور می‌شود، این تکامل چیزی نیست جز شنیدن سخن حق و پذیرفتن آن. شما اگر بخواهید انسان را در یک حقیقت خلاصه کنید، آن حقیقت جز فکر و اندیشه نیست. به قول مولوی: ای برادر تو همه اندیشه‌ای/ مابقی خود استخوان و ریشه‌ایگر بود فکرت گلی تو گلشنی/ و بود خاری تو همیشه گلخیاگر فکر و اندیشه و فرهنگ را از انسان بگیریم، از انسان چیزی جز استخوان و رگ و پی و عصب و... باقی نخواهد ماند. حقیقت انسان که این نیست. حقیقت انسان، فکر و اندیشه اوست. نزول قرآن کریم با «اِقْرَأْ» شروع شد. قرآن در ابتدا از سوی خداوند تبارک و تعالی، دستور به خواندن داده است. اولین دستوری که از جانب خداوند تبارک و تعالی صادر شد، خواندن بود. خداوند به پیامبرش دستور داد که بخوان. این خواندن برای شنیدن است و شنیدن متوقف بر خواندن است. تا چیزی خوانده نشود، شنیده نمی‌شود و تا شنیده نشود، خواندن هم بی‌ثمر است. **علم، معجزه پیامبر اعظم (ص)** بالاتر از این خدمت شما عرض کنم اگر پیامبران قبل از اسلام معجزه‌ای داشتند که چشم‌ها را به خود متوجه می‌کرد و محیرالعقول بود، مثلاً حضرت موسی علیه‌السلام عصا را انداخت و ازدها شد و یا حضرت عیسی سلام الله علیه مرده را زنده کرد، معجزه پیامبر اسلام (ص) علم است، کتاب است، معجزه پیامبر اسلام (ص) همین «اِقْرَأْ» است. «الف لام میم» است. «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ» است. این به این معنی است که بالاترین و مهم‌ترین سنگری که انسان می‌تواند فتح کند، سنگر علم و اندیشه و فکر و فرهنگ است. دین ما دین منطق است. **ما بدون برهان نباید کلامی بگوییم** دین برهان است و چیزی به جز برهان برای آن مسموع نیست و چیزی را که می‌خواهد از دیگران هم بشنود، برایش طلب برهان می‌کند. «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» اگر واقعا راست می‌گویید و طالب کمالید برهانتان را رو کنید و دلیل بیاورید. نه ما بدون برهان حرفی می‌زنیم و نه شما حرفی را بدون دلیل بزنید. ما حرفی را بدون برهان نمی‌پذیریم و توقع نداریم شما نیز از ما بدون برهان بپذیرید و این حقیقت مطلب است. بوعلی سینا متفکر بزرگ عالم اسلام می‌فرماید اگر شخصی مطلبی را بدون دلیل و برهان بپذیرد یا بدون دلیل و برهان رد کند، این شخص از فطرت انسانی خارج شده است. لذا دین ما دین استدلال است و اگر سخن از توحید است، بر اساس برهان و دلیل، محکم شده است. همچنین اگر سخن از نبوت، معاد و امامت است، تمام اینها بر اساس براهین قطعی عقلی استوار است. اگر انسان خودش باشد و عقلش و از آفات عقلی و وهمی و خیالی مصون باشد، مطمئناً راه را پیدا خواهد کرد و حق را تشخیص خواهد داد. **ماجرای تشرّف دوباره علامه حسن‌زاده آملی به دین اسلام** خداوند استاد علامه حسن‌زاده آملی را که از بزرگان و عرفا و متفکران عالم اسلام است، حفظ کند. ایشان می‌فرمود: «من زمانی به دهنم آمد نکند آنچه را که من تا به حال از عقاید و اندیشه‌ها و افکار پذیرفته‌ام به تقلید از پدر و مادر و قوم و قبیله و مردم بوده باشد و همین طور تحت تأثیر قرار گرفته باشم. لذا تمام عقاید خودم را و همه آنچه را که از پدر و مادر و قوم و خویش و مردم گرفته بودم، بوسیدم و کنار گذاشتم. تصمیم گرفتم به عنوان یک انسان عاقل در میان این غوغا و فضای فعلی خودم حق و باطل را بفهمم. تمام کتاب‌هایی که در مباحث ادیان غرب و شرق قبل از اسلام و بعد از اسلام بود، از آیین بودا تا مسیحیت و یهود و آتش‌پرست‌ها و سرخ‌پوست‌های آمریکایی و ... جمع‌آوری کردم. شروع به مطالعه و بررسی و بحث نمودم و مدت زیادی را به این مطالعه فراگیر اختصاص دادم. پس از زمان بسیار زیادی که مطالعاتم پیرامون این افکار و اندیشه‌ها انجام شد، آنها را کنار قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و تعلیم اسلامی قرار دادم. بدون تعارف و هیچ مبالغه‌ای دیدم آنچه را به طور پراکنده از حرف‌های خوب و عقاید صحیح از دیگر کتب بررسی کرده‌ام، بسیار بهتر و کاملترش در قرآن وجود دارد. صرف نظر از این، آنچه را که از اوام و خیالات و امور غیر منطقی و غیر برهانی در بقیه کتب و مرام‌ها و مسلک‌ها است، در قرآن و سیره نبوی و تعالیم ائمه معصومین (ع) وجود ندارد. آنگاه من دوباره به دین مبین اسلام مشرف شدم و از بین فرق و مذاهبی که در دین مبین اسلام هست و هم چنین فرقه‌های گوناگون تشیع، دیدم تنها مذهب و تنها دینی که صاحب و ناموس دارد و می‌شود به آن اتکا کرد مذهب شیعه 12 امامی است. ما می‌توانیم بگوییم کسی که انسان کامل است و در زمان فعلی هست و پشتوانه ماست، حضرت ولی عصر (عج) است. بقیه فرق و ادیان نه نبوتشان به پر رنگی نبوت اسلام است و نه انسان کامل حاضر موجود در زمان ما در میان آنها و در تفکراتشان هست. لذا من دوباره به دین مبین اسلام و مذهب تشیع نوع اثنی عشری مشرف شدم و همانطور که در وجود خورشید شک نمی‌کنم، در حقانیت دین خود ذره‌ای تردید ندارم». این می‌شود انسان و شخص به ثمر رسیده و به بار نشست‌ای که هم دنیای خود را به بهترین وجه می‌تواند آباد کند و هم آخرتش را به بهترین وجه تأمین می‌کند. من خیلی خوشحال و خوشوقت هستم می‌بینم آقای نظام‌دوست که حالا در مسیر واقع شده است، حق را پیدا کرده و بیشتر در این مسیر گام می‌گذارد و ان‌شاءالله تا آخر، این مسیر را ادامه خواهد داد و هم خانم دایزی ان‌شاءالله بیشتر با دین مبین اسلام آشنا شده و به این دین مبین مشرف شوند. **بیان هانری کوربن در پاسخ به علامه طباطبائی** شاید نام هانری کوربن را شنیده باشید. ایشان از دانشمندان فرانسه و از متفکران و اندیشمندان مستشرق و شرق شناس است. هانری کوربن مصاحبه‌های خوب و طولانی قبل از انقلاب با علامه طباطبائی داشت. او مسیحی بود و (ظاهراً) بعداً مسلمان شد و در میان فرق اسلامی، مستقیم به سراغ تشیع رفت. مرحوم علامه طباطبائی از ایشان پرسیده بود چرا در میان فرق اسلامی تشیع را انتخاب کردید؟ هانری کوربن در جواب گفته بود متوجه شدم تنها فرقه و تنها مذهبی که صاحب و ناموس دارد، مذهب تشیع است. واقعا همین طور است. وقتی انسان خدا داشته باشد و در بین ادیان دین اسلام را به عنوان جوان‌ترین و تازه‌ترین و به روزترین دین داشته باشد و نیز کسی باشد که بتواند به او تکیه کند و او به عنوان امام حی و حاضر، متوجه و مطلع باشد و نایبان فراوان ایشان از مراجع و علما و عرفا و متفکران و فلاسفه وجود داشته باشند، اینها نعمت کمی نیست. در مذهب ما همه این نعمات جمع است. **هیچ دینی به اندازه اسلام، انسان را دعوت به تعقل و تفکر نمی‌کند** این را بدانید در میان ادیان هیچ دینی شما را به اندازه دین اسلام وادار به تفکر و تعقل و دقت نمی‌کند. چون اسلام، هیچگاه از تعقل ضرر نکرده است. هرچه بیشتر دنبال کنید، بیشتر حقانیت آن برایتان روشن می‌شود. لذا همیشه به متدینین و مومنین توصیه دارد که بیشتر اندیشه کنید و بفهمید. این بهترین دلیل است برای اینکه این دین نمی‌خواهد سر کسی کلاه بگذارد. آن کسانی جلوی فکر و اندیشه را می‌گیرند که می‌ترسند دستشان رو شود و خلاف آنچه گفته‌اند به دیگران ثابت شود. همه اخبار و روایات و قرآن و پیامبر (ص) و ائمه (ع) و علما و اندیشمندان ما دم از تفکر می‌زنند و خیالشان جمع است که ضرری در این زمینه نمی‌کنند و نسلشان بیشتر خواهد شد. بیانات آیت‌الله رضانی در مورد تعقل و تفکر در دین اسلام برای خانم دایزی ترجمه می‌شود و از حالاتش مشخص است که با شوق و به دقت گوش می‌دهد و این سخنان برایش جذابیت خاصی دارد. **دایزی: با این سخنان درباره دین اسلام، احساس آرامش کردم** خانم دایزی پرسید: آیا دین جواب نهایی برای من است یا می‌خواهیم برای تحقیق و تعمیق بیشتر دست به دست هم دهیم؟ آیت‌الله رضانی به او پاسخ می‌دهد که قرار است برای تحقیق و تعمیق بیشتر به هم کمک کنیم. دایزی می‌گوید ما در چین که هستیم دینی نداریم. حالا شما می‌فرمایید در دین اسلام باید اول تحقیق کرد و بعد پذیرفت و یا اول پذیرفت و بعد تحقیق کرد؟ کدام منطقی است؟ استاد رضانی به او پاسخ می‌دهد واضح است باید اول تحقیق و بعد قبول کرد و سیر منطقی این است. دایزی می‌گوید من فکر می‌کردم بحث دین بحثی خیلی جدی و تعصبی باشد ولی الان که این دور هم نشستن و صمیمیت را می‌بینم و اهمیت تحقیق و تفکر در پذیرفتن دین اسلام برایم روشن شده است، بسیار احساس راحتی‌تری نسبت به این قضیه دارم. قبلاً تصورم این بود دین با تعصب است و مسئله استرس زایی برایم بود اما حالا دیدم من نسبت به مسئله

اسلام عوض شده و احساس خوبی دارم. یکی از حاضران جلسه که در آلمان تحصیل می‌کند در تایید صحبت‌های خانم دایزی از جو تخریبی شدیدی که در خارج از مرزها علیه اسلام و بیشتر با توجه به وقایع امروز عراق و سوریه، وجود دارد می‌گوید و تاکید می‌کند در چنین شرایطی پذیرفتن دین اسلام برای مردم جهان بسیار سخت است. واقعا روی مسئله تخریب اسلام سرمایه‌گذاری می‌شود. **مقدمه لازم برای مسلمان شدن** پذیرفتن توحید و وحدانیت خداوند تعالی به عنوان مبدا عالم و شخص محمد (صلی الله علیه و آله) به عنوان نبی مکرم اسلام و ادعای صدق ایشان مبنی بر پیامبری این دین مبین، اولین قدم و قدم لازم برای تشریف و تلقین خواندن و مسلمان شدن است. استاد رضانی از خانم دایزی درباره اعتقادش به وحدانیت خدا به عنوان مبدا عالم می‌پرسد و این سوال را با مثال‌هایی ساده مثل شباهت خورشید و تشعشعاتش با خداوند و بقیه موجودات، بیشتر تبیین می‌کند. دایزی با وجود اینکه دینی ندارد اما به وجود یک منبع انرژی برای کل عالم اعتقاد دارد و حضور این منبع انرژی را که همه متاثر اویند، حس می‌کند و می‌گوید اعتقاد دارم هر کسی ارتباط خودش را با آن قدرت مطلق دارد. آیت‌الله رضانی می‌گوید ما نیز همین اعتقاد را داریم و مثل هر یک از ما و همه ذرات دیگر عالم مثل شعاع خورشید است که همه آن شعاع‌ها از خورشید نشأت می‌گیرد و به خورشید بر می‌گردد و منتهی می‌شود. دایزی با اینکه در حالت عادی و قبل از گفته شدن این مباحث، توحید را قبول دارد اما باز علاقمند به تفکر و تحقیق بیشتر درباره دینی است که بر پایه تحقیق و تفکر استوار است و بسیار از این ماجرا استقبال می‌کند. **اصول آرامش، اعتدال و هارمونی در اسلام** دایزی با مطرح کردن این موضوع که در بودا اصولی به نام آرامش و بالانس (تعادل) و هارمونی وجود دارد، پرسید آیا در اسلام نیز به این مباحث پرداخته شده است؟ استاد رضانی در پاسخ می‌گوید: بله «الا بذكر الله تطمئن القلوب» خداوند در قرآن به مسئله آرامش پرداخته و این امر مبنی بر یاد خداست. در باب اعتدال نیز در قرآن می‌فرماید: «كذلك جعلناكم امة وسطا» ما شما امت اسلامی را یک امت معتدل قرار دادیم. یک امت در حد وسط که نه افراط کند و نه تفريط کند. بالانس واقعی یعنی اعتدالی که در دین مبین اسلام است. در مورد هارمونی و هماهنگی نیز در قرآن کریم داریم: «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت» در کل و جزء آفرینش خدای تعالی تفاوتی وجود ندارد. تفاوت یعنی اینکه آفریده‌ها از هم بی‌خبر باشند و به هم نخورند و این اصلا در آفرینش الهی وجود ندارد. زمین با آسمان مناسب است و آسمان با زمین مناسب است. زن و مرد مناسب همد و همین طور دریا و صحرا و کوه و... با هم تناسب دارند. در اندام و چهره انسان نیز همه اجزاء با هم در تناسبند. حتی هر حکمی از احکام اسلامی را که نگاه کنید، ناظر به حکم دیگر است. هیچ عضوی نقض کننده عضو دیگر نیست. این هارمونی و هماهنگی در همه موجودات عالم وجود دارد و مورد توجه قرآن کریم است. ارتباط منظم بین همه چیز وجود دارد و همه، همدیگر را تایید می‌کنند. در دین مبین اسلام این هماهنگی هم در آفرینش و هم در احکام اسلامی مد نظر است. **نظر اسلام درباره دین‌های دیگر** سوال بعدی دایزی این است که نظر اسلام در مورد دین‌های دیگر چیست؟ آیت‌الله رضانی پاسخ می‌دهد: در نظر اسلام، همه دین‌ها در زمان خودشان، حق بودند. یهودیت، مسیحیت و حتی بودا - اگر واقعا پیامبری داشته - در زمان خودشان به حق بوده‌اند. منتها با آمدن اسلام به عنوان کاملترین دین، جایی برای بقیه ادیان در زمان فعلی باقی نمی‌ماند. مثل کسی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود و دیگر تعالیم مقطع ابتدایی برای او جوابگو نیست. اگر در سرتاسر عالم بگردید می‌بینید دین اسلام پر قانون و مقررات‌ترین دین است و همه ابعاد انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد. خانم دایزی بعد از شنیدن این مباحث، تصمیم گرفت آشنایی‌اش با قرآن کریم را بیشتر کند و خوب بخواند تا بهتر بفهمد. او می‌خواهد در مورد اسلام بیشتر تحقیق کند و با تفکر و تعمق ایمان بیاورد. تصمیم او پس از شنیدن مباحث آیت‌الله رضانی برای همه حاضرین در جمع جالب بود. احساس آرامشی که دایزی پس از اولین قدم آشنایی با اسلام دارد، نقطه مثبت و شروع بسیار خوبی برای تحقیقات او خواهد بود. استاد رضانی ضمن اظهار رضایت از این مسئله گفت: این تصمیم برای ما بسیار پسندیده است و ما متدین تقلیدی نمی‌خواهیم و متدین باید تحقیقی باشد. عجله‌ای نیست و نمی‌شود عقیده‌ای را با عجله درست کرد و به آن پایبند بود. خداوند متعال می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین» هیچ اجباری در دین نیست و دل باید ببذیرد و اگر نپذیرد آن دین، دین نیست. دایزی در ادامه می‌گوید خیلی دید من عوض شد و قبلا توسط تبلیغ رسانه‌ها دیدی انحرافی داشتم اما حالا با اشتیاق در این راه قدم می‌گذارم. من به فلسفه و روانشناسی علاقه زیادی داشتم و (آنها را) خواندم اما همیشه حس می‌کردم که یک چیزی کم است. همیشه به دنبال چیزی بودم تا اینها را تکمیل کنم. به خصوص وقتی ارتباط فلسفه و دین را فهمیدم و متوجه شدم فلسفه یکی از ابزار نیست که با آن به دین می‌رسیم. حالا در کنار علایقم که فلسفه و روانشناسی بود و تکمیل نمی‌شد، گزینه جدیدی به نام دین به وجود آمده که قبلا در موردش اصلا فکر نمی‌کردم. با معرفی خوبی که شما داشتید، از این به بعد همان طور که روی فلسفه و روانشناسی وقت گذاشتم، برای مبحث دین نیز وقت خواهم گذاشت. استاد رضانی در پایان با آرزوی اینکه آنچه که حق است برای علاقمندان به دین و حقانیت روشن شود، گفت: امیدوارم خداوند که توفیق قدم گذاشتن در راه تحقیق این دین مبین را داده است، این توفیق را در حق شما عزیزان تمام و کامل کند و اتمامش هم به ادامه مسیر است. امیدوارم بیش از پیش بر مطالعاتتان بیفزایید و حقانیت حق بیش از پیش برایتان روشن شود. *گزارش از: مینا شیرخان*